

سید محمدعلی جمالزاده فرزند سید جمال‌الدین، واعظ و آزادیخواه دوران مشروطه، در سال ۱۲۷۰ هـ. ش در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان به دنیا آمد. پدرش غالباً برای وعظ به شهرهای مختلف سفر می‌کرد و گاهی سید محمدعلی را نیز با خود به سفر می‌برد. سال ۱۲۸۲ سید جمال‌الدین به همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و دو-سه سالی پیش نگذشت که فرزند خود محمدعلی را برای تحصیل به بیروت فرستاد. در این زمان محمدعلی، دوازده سال بیشتر نداشت. محمدعلی جمالزاده در بیروت بود که اوضاع سیاسی ایران دگرگون شد. به فرمان محمدعلی شاه قاجار مجلس به توپ بسته شد و هر یک از آزادی‌خواهان به سرنوشتی دچار شدند. سید جمال پنهانی، خود را به همدان رساند تا به عتبات برود، اما در آنجا به چنگ نیروهای دولتی افتاد. او را به دستور دولت به حکومت بروجرд تحویل دادند و دستور اعدامش صادر شد. محمدعلی جمالزاده در بیروت با ابراهیم پورداود و مهدی ملک‌زاده چند سالی همدوره و همدرس بود. جمالزاده در سال ۱۲۸۹ برای ادامه تحصیل به اروپا عزیمت کرد؛ ابتدا به فرانسه و سپس به پیشنهاد ممتازالسلطنه، سفیر ایران، برای ادامه تحصیل به لوزان سوئیس رفت.

سید محمدعلی جمالزاده

(۱۲۷۰-۱۳۷۶)

نویسنده، از مبدعان داستان‌نویسی نوین

در ایران

اقدام اهدایی: کتاب و دست‌نوشته‌ها

(بیش از ۲۵۰۰ نسخه)

محل نگهداری اقدام اهدایی: کتابخانه

مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

بعدها، به سال ۱۲۹۳ دیپلم حقوق خود را از دانشگاه دیژون فرانسه دریافت کرد. او با آن که در رشته حقوق تحصیل کرد، اما در باره حقوق مطلبی ننوشت. جمالزاده در سال ۱۲۹۴ برای شرکت در کمیته ملیون ایرانی وارد برلین شد و از طرف این کمیته مأموریت یافت که برای گردآوری قشون ایلات به منظور مقاومت در مقابل روس‌ها و انگلیس‌ها به بغداد و از آن‌جا به کرمانشاه برود. در بغداد او و استاد پورداد و حاج اسمعیل آقا امیرخیزی روزنامه‌ای به نام رستاخیز منتشر کردند که مدیریت آن را پورداد به عهده داشت. جمالزاده، مدتی با مجله کاوه همکاری می‌کرد. در مجله کاوه از جمالزاده مقالاتی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، ایرانشناسی و فرهنگ، با شیوه ساده‌نویسی که خصلت عمومی این دوره بود، به چاپ رسید. در سال ۱۳۰۰، در مجله کاوه، داستان کوتاه و مشهور «فارسی شکر است»، که زبان طنز آن نمونه سبکی نو در داستان‌نویسی اجتماعی ایران بود، از جمالزاده منتشر شد.

به گفته او کاربرد ادبیات مدرن، نخست بازتاب فرهنگ عامه و سپس انعکاس مسائل و واقعیت‌های اجتماعی است. با انتشار کتاب یکی بود یکی نبود به قلم جمالزاده، گروهی، از جمله محمد قزوینی، آن را ستودند و گروهی سخت بر آن تاختند. جمالزاده در مجله کاوه به‌طور مستمر کار می‌کرد تا آن که این مجله در اثر مضیقه مالی، از انتشار باز ماند و جمالزاده برای امرار معاش، به استخدام سفارت ایران در آلمان درآمد و سرپرستی محصلین ایرانی به او واگذار شد. وی حدود هشت سال در این کار بود و تا سال ۱۳۱۰ در برلین ماند. سپس جمالزاده از برلین به ژنو عزیمت کرد و آنجا در مؤسسه بین‌المللی کار، شغلی یافت شد و تا سن بازنشستگی (۱۳۳۵) در همین سمت ماند.

جمالزاده برای همیشه در ژنو ماند و در دانشگاه آن شهر به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت و هم‌زمان به‌طور فعال‌تری به کار داستان‌نویسی ادامه داد. کتاب‌های قلش دیوان، راه‌آب نامه، قصه قصه‌ها، عمو حسینقلی یا هفت قصه، صحرای محشر و دارالمجانین از نوشته‌های او در ژنو است. داستان‌های جمالزاده به لحاظ فرم دارای نثری ساده، زیبا و روان است. محتوای انتقادی-اجتماعی آنها برگرفته از ویژگی‌های جامعه ایران در دوران انقلاب مشروطه، و آکنده از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاح‌های عامیانه و لحنی طنزآلود است. شرح حالی از این نویسنده جلالی وطن کرده، در سال ۱۳۵۵ در راهنمای کتاب منتشر شد. از جمالزاده ترجمه‌هایی نیز به فارسی منتشر شده است که کتاب‌هایی همچون خسیس





اثر مولیر و ویلهم تل اثر شیلر از جمله آنها است. تسلط بر اصطلاحات مذهبی و روایات اسلامی از ویژگی‌های نثر او است. جمالزاده در دوران کهولت به مدت پنج سال مشغول نوشتن خاطرات و مکاتبه با نویسندگان شد. آخرین اثر داستانی او به نام قصه ما به سر رسید، در سال ۱۳۵۷ منتشر شد. او نمی‌توانست و نمی‌خواست با هموطنانش بی‌رابطه بماند. وی در فرصت‌های مختلف با ادبا و فضلا و



رجال سیاسی، که در ژنو بودند و یا بدانجا سفر می‌کردند، با ذوق و شوق ملاقات می‌کرد و به صحبت با آنان می‌نشست و با بسیار از آنها که در ایران اهل کتاب و قلم بودند مکاتبه مداوم داشت. هر کس به او نامه‌ای می‌نوشت پاسخی به تفضیل دریافت می‌کرد. جمالزاده سرانجام در روز هفدهم آبان ۱۳۷۶ در شهر ژنو درگذشت.

جمالزاده بیشتر عمر خود را در خارج از ایران سپری کرد اما می‌توان گفت که تمام تحقیقاتش دربارهٔ ایران و زبان فارسی بود. جمالزاده را همراه با صادق هدایت و بزرگ علوی سه بنیانگذار اصلی ادبیات داستانی فارسی معاصر می‌دانند. این نویسنده نامدار و بنیانگذار داستان‌نویسی نوین ایران، در سال ۱۳۵۴ کتابخانهٔ خود را که شامل کتاب‌های چاپی، نشریات، اسناد و دست‌نوشته‌هایش بود، به دانشگاه تهران اهدا کرد. مجموعهٔ این کتاب‌ها، بیشتر با موضوع ادبیات داستانی، شامل بیش از ۲۵۰۰ جلد کتاب به زبان فارسی و زبان‌های خارجی است. از جمله این آثار اهدایی عبارتند از: نسخهٔ ماشین شدهٔ هفت قصه، آفاق و انفس یا مجموعه قصه‌های بیگانگان، ترجمهٔ جمالزاده (نسخهٔ ماشین شده)، مجموعه قصه‌های سید محمدعلی جمالزاده (نسخهٔ ماشین شده و خطی و چاپی) این مجموعه شامل قصه‌های جمالزاده: سگ زرد و پلنگ، شاه گاو، دشمن خونی، و شیخ و فاحشه است. در میان مجموعهٔ جمالزاده همچنین متون دیگری نیز شامل موارد ذیل یافت می‌شود: پایان‌نامهٔ تحصیلی حسینقلی وثیقی در دانشکده ادبیات تبریز، دربارهٔ جمالزاده و زندگانی و آثارش به فرانسه، نسخه خطی یکی بود یکی نبود، و همچنین مجموعه اسناد او بالغ بر ۱۰۰۰۰ برگ، شامل دست‌نوشته‌های وی، نامه‌ها و بریده جراید، که در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه نگهداری می‌شود.

مجموعهٔ اهدایی جمالزاده به دانشگاه تهران، در تالاری که به نام خود وی نامگذاری گردیده است در طبقهٔ اول کتابخانه مرکزی و مرکز دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. همچنین شایان یادآوری است که محمدعلی جمالزاده یک سوم از درآمد حق‌التألیف نوشته‌های خود را به مدت سی سال پس از درگذشت خود به دانشگاه تهران واگذار کرده است تا با تأیید هیأت امنای آثار جمالزاده برای خرید کتاب صرف شود.

